خبر

بانک نمایشنامه افتتاح شد

مهر– سه‌شنبه ۲۴ شهریور ماه آیین رونمایی از وبگاه بانک نمایشنامه توسط کانون نمایشنامه‌نویسان خانه تئاتر ایران در سالن کنفرانس تئاتر شهر برگزار شد. در ابتدای این مراسم بهزاد صدیقی، رییس کانون نمایشنامه‌نویسان خانه تئاتر ایران درباره هدف از راه‌اندازی این وبگاه، تفاهمنامه کانون نمایشنامه‌نویسان خانه تئاتر ایران، وبگاه بانک نمایشنامه و ضرورت ثبت نمایشنامه در بانک نمایشنامه صحبت کرد و گفت: این وبگاه به نویسندگان ما این امکان را می‌دهد که خود و اثرشان را معرفی کنند. پیشنهاد طراحی این وبگاه سال ۹۳ از طرف بخش خصوصی مطرح شد و چون کانون نمایشنامه‌نویسان از لحاظ مالی این امکان را نداشت که شخصا این وبگاه را راه‌اندازی کند بنابراین پیشنهاد بخش خصوصی را پذیرفت. وی ادامه داد: در همین راستا تفاهمنامه‌ای بین کانون نمایشنامه‌نویسان و بخش خصوصی نوشته شد که این تفاهمنامه از دو ماه قبل آماده امضا شده که امروز نیز از آن رونمایی خواهد شد. این تفاهمنامه در وبگاه بانک نمایشنامه قرار می گیرد و شامل هفت ماده است و اعتبار آن نیز به مدت دو سال و تا انتخابات بعدی هیات‌مدیره کانون نمایشنامه‌نویسان خواهد بود. صدیقی در توضیح فعالیت‌های این وبگاه بیان کرد: هر علاقه‌مندی می‌تواند در این بانک اثر خود را به ثبت رسانده و نمایشنامه خود را برای تولید و عرضه به کارگردان‌ها یا مدیران سالن‌ها در معرض دید عموم قرار دهد. گذاشتن مقالات، گفت‌وگو و یادداشت‌های تخصصی نیز از دیگر اهداف این بانک نمایشنامه است. امیدوارم این وبگاه در آینده‌ای نزدیک بتواند به صورت دوزبانه به فعالیت خود ادامه دهد.

دغدغه‌های بانوان نقاش ایران در کافه گالری مارکف

ایلنا– در نمایشگاه «چه فکر می‌کنند زنان نقاش» که در این مکان برگزار می‌شود، تعدادی از بانوان هنرمند ایرانی گردهم آمده‌اند تا آثار هنری خود را به نمایش بگذارند. در این نمایشگاه که نمایشگاه‌گردانی آن برعهده مجید احمدی است، تمرکز به جای خود آثار روی تفکرات بانوان جوان نقاش بوده است. در این نمایشگاه که از آن به عنوان مشتی نمونه خروار یاد می‌شود، از ۱۰ هنرمند جوان نقاش ایرانی خواسته شده که آثاری که به تازگی خلق کرده‌اند را ارسال کنند که از میان ۴۰ هنرمند و نزدیک به ۱۰۰ اثر این ۲۰ تابلو از ۱۰ هنرمند جوان انتخاب و برای نمایش به کافه گالری مارکف برده شد. در این نمایشگاه برخلاف بیشتر نمایشگاه‌هایی که به آثار توجه می‌شود، به ذهنیات این ۱۰ بانوی جوان و آینده‌دار نقاش ایران توجه شده و به نوعی خواسته است که نشان دهد دغدغه جامعه هنری ایران به خصوص بانوان هنرمند به چه چیزی معطوف است.

در این نمایشگاه آثاری از فرناز قرائی، الهام سروش‌نیا، صدیقه فخرائیان، کیانا عبدالله‌خانی، مریم نوری، فریبا میرسعیدی، نشاط فروتن، نگار فروتن، مریم فلاحی و سپیده نژادستاری به روی دیوار خواهد رفت. این نمایشگاه در کافه‌گالری مارکف به آدرس خیابان شریعتی، انتهای خیابان مطهری، باغ موزه زندان قصر، کافه‌گالری مارکف، ساعت ۱۵ تا ۲۰ روز پنجشنبه ۲۶ شهریور ماه افتتاح و تا ۸ مهر در این کافه‌گالری روی دیوار خواهد بود.

منصور ضابطیان «صدبرگ» را می‌سازد

ایسنا– برنامه تلویزیونی «صدبرگ» با همکاری مشترک منصور ضابطیان و محمد صوفی از یازدهم مهرماه هر شب روی آنتن شبکه چهار سیما خواهد رفت. براساس این گزارش، در این مجله شبانه موضوعات مختلفی چون ادبیات، روانشناسی، تربیت، تاریخ، فرهنگ عامه، گردشگری و... مورد نظر قرار دارد. پخش مستند، گزارش، نماهنگ، شعرخوانی و مرور بهترین رمان‌های دنیا از دیگر بخش‌های این برنامه است. «صد برگ» از شنبه تا پنجشنبه هر شب از ساعت ۲۱ تا ۲۲ پخش می‌شود. ضابطیان و صوفی پیش از این تهیه‌کنندگی برنامه‌هایی چون «رادیو هفت»، «مزه غذای ایرانی»، «تقره»، «فرش واژه» و... را بر عهده داشته‌اند. پس از خداحافظی عوامل «رادیو هفت» با تلویزیون که پس از انتشار نامه‌ای صورت گرفت، منصور ضابطیان برای مدتی برنامه جدیدی در تلویزیون نداشت. هر چند در مقطعی از مسابقه «سال‌های نقره‌ای» شبکه یک به عنوان برنامه جدید این برنامه‌ساز نام برده شد اما این اتفاق هم میسر نشد تا حالا خبر تولید جنگ فرهنگی جدید ضابطیان با نام «صد برگ» در شبکه چهار اعلام شود.

سینما فلسطین همدان بازسازی شد

مهر– مدیرعامل موسسه بهمن سبز اعلام کرد سینما فلسطین همدان پس از هفت سال تعطیلی بازسازی شده و همزمان با جشنواره فیلم‌های نوجوانان در مهرماه میزبان مخاطبان خواهد بود. محمود کاظمی، مدیرعامل موسسه بهمن سبز درباره افتتاح یکی از سینماهای حوزه هنری در شهر همدان گفت: بازسازی سینما فلسطین همدان از سال گذشته شروع شد و این سینما پاییز امسال به بهره‌برداری می‌رسد. بازسازی این سینما با حمایت و کمک مالی معاون سازمان سینمایی حوزه هنری، استانداری همدان، مدیرعامل سینماشهر و مدیر حوزه هنری استان همدان میسر شده است. این مدیر سینمایی افزود: این سینما هفت سال تعطیل بود و پس از بررسی و طراحی مناسب تصمیم گرفتیم آن را بازسازی کرده و از یک سالن به دو سالن ۲۰۰ نفری تبدیل کنیم و در روند بازسازی امکانات صوتی و تصویری مجهز و به‌روز برای آن در نظر گرفته‌ایم و سینما فلسطین همدان به زودی با امکانات مناسب میزبان خانواده‌های این شهر خواهد بود.

گفت‌وگو با رامتین خداپناهی در باره آموزش تئاتر در دانشگاه‌ها؛

ما در تاریخ محبوس شده‌ایم

عرفان پهلوانی- ما انگار در یک تاریخی محبوس شده‌ایم. شاید بتوانیم در یک جایی نقاط مشترکی بین خود و تفکرات مغرب زمین پیدا کنیم ولی این نقاط مشترک اگر از یک فیلتر داخلی نگذرد، آن وقت ما نمی‌توانیم جهانی فکر کنیم.

رامتین خداپناهی، کارشناس ارشد رشته نمایش در گرایش کارگردانی و مدرس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی است. وی یکی از بازیگران بااستعداد بوده و بازی‌اش در فیلم‌های سینمایی «ارتفاع پست»، «مزرعه پدری»، و سریال‌های «معصومیت از دست رفته»، «مریم مقدس»، «فقط به‌خاطر تو» و «برای آخرین بار» توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در ادامه مشروح گفت‌وگوی رامتین خداپناهی را در مورد آسیب‌شناسی تئاتر دانشگاهی می‌خوانیم.

■ مهم‌ترین کمبودها و آسیب‌های تئاتر دانشگاهی را در چه می‌دانید؟

ببینیم اصلا تئاتر دانشگاهی وجود دارد؟ در ابتدا وقتی صحبت از تئاتر می‌کنیم، چه در دانشگاه و چه در غیردانشگاه باید یک گروه منسجم داشته باشیم.

وقتی که در تئاتر گروه نداریم، یک اجرای مبتنی بر یک کار گروهی هم نمی‌توانیم داشته باشیم و این به نظر من مهم‌ترین عنصری است که امروز علی‌الخصوص تئاتر دانشجویی دارد از آن ضربه می‌خورد.

یعنی تئاتری که معمولا در دانشگاه‌ها شکل گرفته است، اگر اسمش را تئاتر بگذاریم، از جنس و بافتی تشکیل شده که بسیار گذرا و بسیار سطحی است و راه به هیچ جایی نخواهد برد.

به خاطر اینکه شما بنیان‌های تئاتر را ابتدا در پارامترهای تفکری آن گروه می‌دانید و وقتی که گروهی موجود نیست و تفکری پیرامون آن گروه شکل نمی‌گیرد، پس مطمئنا شما مدام در حال برانداز کردن آن چیزی هستید که اصلا به کار نمی‌آید.

نمایش‌های اجرا شده مثل لقمه‌های هزار بار جویده شده‌اند که بارها و بارها دارند از مسایلی حرف می‌زنند که امروز دغدغه مانی‌ست، حالا چه در سطح بین‌الملل و چه در سطح دانشگاهی.

■ یعنی توجه به نیاز و ضرورت حال حاضر جامعه نمی‌شود.

اصلا، ببینید ما در واقع داریم کاری را انجام می‌دهیم که تافته جدا بافته است، یعنی در دانشگاه دارد اتفاقی می‌افتد که ربطی به مسایلی که امروز انسان- انسان معاصر در ایران- با آن دست و پنجه نرم می‌کند نخواهد داشت. یک شق دانشگاهی یعنی یک پز دانشگاهی و شق دیگر اتفاقی است که دارد در بیرون از این دانشگاه می‌افتد.

■ این پز دانشگاهی چیست؟

ببینید استنباط من این است که ما انگار در یک تاریخی محبوس شده‌ایم. شاید بتوانیم در یک جایی نقاط مشترکی بین خود و تفکرات مغرب زمین پیدا کنیم ولی این نقاط مشترک اگر تبدیل نشود به یک فیلتر داخلی آن وقت ما می‌توانیم جهانی فکر کنیم.

ولی هنگامی که جهانی فکر کنیم و خانگی عمل نکنیم باز راه به هیچ دهی نخواهیم برد. اینکه بخواهیم سرمنشا و مبدا تفکر را در آن طرف مرزها بجوییم هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد به خاطر اینکه دغدغه امروز من دغدغه‌های امروز و آن روز آنها نیست. پس طبیعتا اگر بخواهیم اجرایی از نوع فکر آنها در قالب نمایشنامه داشته باشیم طبیعتا به یک شیر بی‌یال و دم و اشکم می‌ماند که دیگر نه شیر است و نه چیز دیگری و هیچ چیز جدیدی هم نیست.

■ صحبت‌های شما مرا یاد نوشته‌ای از دکتر قطب‌الدین صادقی انداخت. ایشان در آن نوشته چهار خصوصیت برای یک روشنفکر ذکر کرده بود اینکه فرزند زمان خودش باشد، فرزند مکان خودش باشد، نیازها و کمبودهای زمان و مکان خودش را درک کند و راهکاری برای برون‌رفت از این مشکلات ارایه بدهد. این همان چیز است که شما اشاره کردید؟

آلبرکامو در جایی گفته است: انسان دست به خلق تکنولوژی می‌زند ولی در یک جای دیگر خودش اسیر تکنولوژی می‌شود. یعنی دیگر آن تکنولوژی است که دارد او را هدایت می‌کند و پیش می‌برد اینجا دیگر هویت انسانی از بین رفته است.

به نظر من این‌گونه است که ما دریک جایی از تاریخ معاصرمان بدجوری درگیر عنوان‌های روشنفکری- شبه روشن فکری شدیم- ما می‌توانیم از تکنیک‌ها و سبک‌های مختلف غربیان استفاده کنیم که در ادبیات یا ادبیات نمایشی ما به عنوان بیس اصلی در نظر گرفته شود. آیا من می‌توانم مترهایی داشته باشم که بتواند پاسخگوی دغدغه‌های فکری من با توجه به بیس خود من باشد؟ خوب طبیعتا نیست و ما هر چند مراجعه مجدد می‌کنیم باز می‌رسیم به تاریخ ادبیات داستانی و نمایشنامه‌نویسی از دهه ۲۰،۳۰،۴۰ و ۵۰.

■ یعنی در ابتدا باید نمایشنامه‌ای برای امروز تولید شود.

لفظ تولید را نمی‌پذیرم بلکه خلق بشود. چون به نظر من نمایشنامه‌نویسی یک کار تولیدی نیست. کارگردانی یک کار تولیدی نیست. یک کار خلاقانه است که شما با پوست و گوشت خودتان باید این را لمس بکنید. یعنی باید درک کنید، احساس کنید. خوب این درک و لمس و احساس از چه می‌آید؟ از یک دغدغه، شما ابتدا باید پاسخ گوی دغدغه‌های پیرامون خودتان باشید.

وقتی که این نیست نمی‌توانیم یک سنتز داشته باشیم. عنصر سومی شکل نخواهد گرفت. تا وقتی که جرح و تعدیل نداشته باشیم، کشف نداشته باشیم خوب طبیعتا نمی‌توانیم هیچ پل ارتباطی بین خود و آثار خودمان بزنیم.

پس در نتیجه آن چیزی که از ما منتج می‌شود اثری است که باز ربطی به ما ندارد. وقتی که یک اجرا درجشنواره فجر از یک اثر غربی به صحنه می‌رود بلافاصله آثار بعدی که در این مملکت در تئاتر روی صحنه می‌رود تحت تاثیر آن آثار غربی است.

خوب چرا؟ اگر برای مثال یک گروه آلمانی یک گروه اتریشی کاری را روی صحنه می‌برند با امواج فکری خودشان و شاخک‌های حساس خودشان ممزوج شده است. ولی اگر آن متراژ را برداریم، دقیقا مثل این می‌ماند که بنده کت شوار کریستین اندیور بپوشم با گیوه. خوب هیچ ربطی به هم ندارند.

■ یعنی از فیلترهای خودمان عبورش بدهیم.

کاملا ما نمونه‌هاهای بارزشی را در تاریخ سینما داریم. من می‌گویم کوروساوا یک کارگردان صددرصد ژاپنی است. از آثار غربی استفاده می‌کند، از اثر شکسپیر استفاده می‌کند، ولی آن چیزی که در نهایت به وجود می‌آید یک اثر صددرصد ژاپنی است.

مانند کاری که گرتفسکی درتئاتر می‌کند از تمام آیین‌های نمایشی شرق دور استفاده می‌کند ولی در نهایت به یک تئوری می‌رسد که شما می‌توانید کاملا عنوان یک تئوری اروپای شرقی را به آن اطلاق کنید. یا حتی برای مثال باز در سینما کوروساوو از پارامترهای فیلم‌های وسترن غربی استفاده می‌کند. از آن ژانر فیلمی در می‌آید به نام هفت سامورایی. این هفت سامورایی یک فیلم صددرصد ژاپنی است ولی با پارامترهای غربی.

یعنی شما مبنای اصلی را از آنها می‌گیرید ولی در واقع آن چیزی که ساطع می‌شود زیر مجموعه فرهنگ ژاپنی است و نگاه خاص کوروساوا طی آن تحقیقات و پژوهشی که در فرهنگ ژاپنی دارد و در نهایت وقتی که این فیلم تولید می‌شود و به عرصه دیدار می‌رسد و اکران عمومی می‌گیرد در سطح جهانی مجددا این بار غربی‌ها از همین فیلم استفاده می‌کنند فیلم دیگری کپی این فیلم می‌سازند که می‌شود هفت دلاور.

این حلقه مفقود شده ماست که به قول داریوش شایگان تبدیل به آلکن شدیم. ما ۴۰ تکه شدیم امروز. یک پاچه شلوارمان مال لویی چهاردهم و یک پاچه دیگر مال هنری سوم است و کت مان مال ریچارد سوم. اصلا معلوم نیست چی هست و در نهایت بیس فکری هم شکل نمی‌گیرد.

■ هر ساله تعداد زیادی دانشجو از رشته نمایش فارغ التحصیل می‌شوند اما بازار کارموجود آمادگی پذیرش این تعداد فارغ‌التحصیل را ندارد راهکار شما برای برون رفت از این مشکل چیست؟

پاسخ به این سوال شما اصلا در وظیفه من نیست به نظر من متخصصان دیگری باید بیان پاسخ دهند.

■ کدام متخصصان؟

برنامه‌ریزها، تئوریسن‌های این بخش، جامعه‌شناس‌ها و...

■ کدام بخش؟

تئوریسن‌های فرهنگی متولیان فرهنگی این جامعه. ما یک مجری هستیم، من طراح و برنامه ریز نیستم این یک بازار فرهنگی است. ما امروز نمی‌توانیم اسم بازار کار روی آن بگذاریم به خاطر اینکه مطمئنا اگر تقاضا باشد عرضه هم خواهد بود. ولی وقتی تقاضا نیست وقتی که سالن‌های تئاتر شما محدود می‌شوند به تماشاچیانی که یا خود از بچه‌های تئاتر هستند یا در نهایت افرادی هستند که متصل به این آدم‌هایند نمی‌شود اسم بازار روی آن گذاشت.

علی شریعتی می‌گوید که نیازی نیست ما کتابخانه‌ها را افزایش بدهیم. باید فرهنگ کتابخوانی را به وجود آوریم. اگر فرهنگ کتابخوانی به وجود بیاید پیاده روهای شهر تبدیل به کتاب‌فروشی می‌شود. ولی وقتی که این فرهنگ تئاتر دیدن و احساس نیاز به حضور یک عنصر پویا و زنده و صاحب تفکر مثل تئاتر در جامعه فرهنگی و جامعه عمومی مملکت ما احساس نشود، اگرصد تا سالن هم بسازیم باز همین سیکل تکرار خواهد شد.

■ به تعبیری تئاتر برای همه، تبدیل شود به: تئاتر، نیازی برای همه.

کاملا. امروز شما در هر خیابانی که پا می‌گذارید از ابتدا تا انتهای خیابان پر از سوسیس و کالباس فروشی است. پر از گوشت فروشی پر از میوه فروشی است. در نهایت من به این جمله «یونسکو» می‌رسم که از پیاده‌های یک شهر می‌شود متوجه شد که چقدر می‌تواند فقر فرهنگی داشته باشد.

آن‌وقت کدام کشور؟ کشوری با این عقبه فرهنگی. با این بنیان‌های ادبی، ولی متاسفانه به علت عدم پردازش درست و عدم کارکرد درست و عدم برنامه‌ریزی صحیح نسبت به ایجاد فرهنگ نمایش و احساس حضور عنصری به اسم نمایش متاسفانه امروز در اینجا ایستاده‌ایم و بگوییم که بله ما جایی را نداریم که جوابگوی فارغ‌التحصیلان علمی آکادمیک رشته‌ای به اسم تئاتر باشد.

کارهایی که اکنون دارد انجام می‌شود هنوز کارهای غیرمتخصصانه و غیرمسوولانه است. من سخت تاکید می‌کنم روی واژه غیرمسوولانه چون ما به عنوان حتی مجریان نمایش و مجریان رسانه‌ای به اسم تئاتر، متاسفانه خیلی نسبت به این بخش غیرمسوولانه برخورد کرده‌ایم و تبعاتش را داریم می‌بینیم و سال به سال هم این دارد بدتر می‌شود.

یادبود...

چرا شهریار ماندگار شد؟

بیست‌وهفتم شهریورماه بیست‌وهفتمین سال‌روز درگذشت محمدحسین بهجت‌تبریزی متخلص به شهریار و روز بزرگداشت این شاعر است که در تقویم به نام روز شعر و ادب فارسی نام‌گذاری شده است.

سیدمحمدحسین بهجت‌تبریزی از چهره‌های شاخص ادبیات و شاعر منظومه معروف «حیدر بابایه سلام» بود که طی سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد. تحصیلات مقدماتی را با خواندن گلستان و نصاب در مکتب نزد پدر دانشمند خویش شروع کرد و در همان زمان با دیوان خواجه الفتی سخت یافت.

مفتون امینی شاعر پیشکسوت که کتاب «شهریارنامه» را نوشته است، اظهار می‌کند: زندگی شهریار از راه شعر و برای شعر می‌گذشت و از آغاز روز برای نوشتن یا بازنوشتن تازه‌ترین شعرهایش قلم برمی‌داشت و اگر کسی به منزل او می‌رفت، تنها برای ارزش نهادن به شعر و لذت بردن از آثارش بود. شهریار شاعر ممتاز و بی‌نظیری بود که با دیگران تفاوت زیادی داشت و تمام ساعت‌های خواب و بیداری‌اش با شعر و شاعری‌اش سپری می‌شد. مضامین شعرهای شهریار بیشتر در دو زمینه عشق و اخلاق است و او از نخستین و کامل‌ترین شاعران رمانتیک ایران است؛ البته او مانند حافظ و مولوی خط عرفان را شرح نمی‌دهد؛ بلکه تنها عرفان را یادآوری می‌کند. هر چند او در جوانی درویش بوده و روحیه عرفانی داشته ولی شعرش به اندازه حافظ و مولوی عرفانی نیست.

محمد شمس‌لنگرودی، شاعر و پژوهشگر پیشکسوت درباره جایگاه شعر شهریار و نفوذ آن در بین مردم می‌گوید: همین که همزمان با شهریار، صدها شاعر غزلسرا پیدا شدند که از بسیاری از آنها نامی نمانده و از بعضی فقط چند شعر بر جای مانده است، نشانگر وسعت شعر شهریار و موفقیت اوست. نقطه برجسته کار شهریار این بود که بسیاری از کلمات روزمره را به تاسی از نیما وارد شعرش کرد که غزلسرایان همزمان و حتی بعد از او جرات این کار را نداشتند البته تمام شاعران اولیه مشروطیت این کار را کردند، ولی خیلی موفق نبودند و شهریار از این نظر شاخص است.

همچنین شهرزاد بهجت‌تبریزی، دختر شهریار درباره پدرش می‌گوید: تا آنجا که یاد داریم، در تمامی گردش‌ها یا شب شعرهایی که می‌رفت، مرا همراه خویش می‌برد. می‌توانم به صراحت بگویم که بیشتر از مادرم با وی مانوس بودم و وقتی با او بودم، هیچ‌وقت سراغ مامان را نمی‌گرفتم. در همان ایام بچگی کتابچه شعر بابا را ورق می‌زدم و او بدون اینکه مانع شود، فقط مواظب بود که کتابچه را پاره نکنم و با نگاهی محبت‌آمیز مرا می‌نگریست. در سنین پایین و مواقعی که به مدرسه نمی‌رفتم، «حیدربابا» و شعرهای ترکی را که برایم قابل فهم بود، به من یاد می‌داد.

کمی که بزرگ شدم و سواد خواندن پیدا کردم، خودم کتابچه شعر او را می‌خواندم و شعرهایی را که زیاد دوست داشتم، حفظ می‌کردم. پدرم معمولا تا پاسی از شب گذشته به عبادت و خواندن قرآن می‌پرداخت و بعد از فراغت با خواندن کتاب‌های شعر و بیشتر مواقع با سرودن شعر معمولا تا اذان صبح نمی‌خوابید؛ مگر مواقعی که واقعا خسته بود در زندگانی خصوصی، آدمی بسیار بخشنده بود. غیر از کمک‌های مالی، وسایل شخصی‌اش را نیز می‌بخشید. قلبی رئوف و مهربان داشت.

بسیار احساساتی و حساس بود و خیلی زود تحت‌تاثیر قرار می‌گرفت. از مرگ دوستانش خیلی متأثر می‌شد؛ چنانچه وقتی مرگ صبا دوست نزدیکش را به وی اطلاع دادند، اشک در چشمانش جمع شد.

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه گیلان

آگهی مناقصه عمومی / یک مرحله‌ای نوبت دوم
۹۴۰۳ /م

مناقصه‌گزار: شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران منطقه گیلان
موضوع مناقصه: راهبری و کاربری خودروهای استیجاری منطقه
مهلت و محل دریافت و تحویل پاکات و اسناد مناقصه: پس از انتشار آگهی تا تاریخ **۹۴/۰۷/۰۵** و مطالعه اسناد از سایت‌های **http://Iets.mporg.ir** و **http://monaghese.niopdc.ir** و تحویل پاکات تضمین (الف)، پیشنهاد فنی بازرگانی (ب) و پیشنهاد قیمت (ج) بصورت لاک و مهر شده و در پاکات جداگانه تا تاریخ ۹۴/۰۷/۱۹ به نشانی: رشت- گلسار- بلوار سمیه- جنب بیمارستان گلسار- شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گیلان به شماره تلفن‌های ۹- ۳۳۱۱۵۰۶۸-۰۱۳ و ۳۳۱۲۶۹۳۰-۰۱۳
برآورد مالی: ۳/۹۵۸/۱۳۰/۰۰۰ ریال
نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: واریز سپرده نقدی به مبلغ **۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال** به حساب سیبای شماره **۴۱۲۰۰۱۶۵۰۰۰۰۸** با کد شناسه **۱۹۴۰۰۰۰۰۰۲۶** نزد بانک ملی به نام شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی یا ضمانتنامه بانکی معادل آن
تاریخ بازگشایی پاکات الف، ب و ج: مناقصه‌گران می‌توانند در روز **یکشنبه** مورخ **۹۴/۰۷/۲۶** ساعت **۱۴:۰۰** با معرفی ۲ نفر نماینده به صورت کتبی در جلسه بازگشایی پاکات که در سالن اجتماعات این شرکت در آدرس فوق‌الاشاره برگزار می‌گردد شرکت نمایند.
شرایط متقاضی (کلیه شرکتهای توانمند):
دارای گواهی صلاحیت از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
نکته مهم: تحویل اسناد مناقصه به شرکت‌کنندگان با مهر و امضاء شرکت و به صورت حضوری خواهد بود.
ضمناً متن آگهی در سایت **http://gilan.niopdc.ir** نیز صرفا جهت مطالعه درج می‌گردد.
نوبت اول آگهی: روز دوشنبه مورخ ۹۴/۰۶/۲۳ نوبت دوم آگهی: روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۰۶/۲۶

روابط‌عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه گیلان

فرم اشتراک روزنامه

جهان صنعت

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را بر اساس مبلغ مندرج در جدول ذیل:
به حساب جام بانک ملت به شماره ۴۶۳۹۸۳/۷۸ به نام روزنامه جهان صنعت
واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده به دفتر امور مشترکین روزنامه جهان صنعت ارسال نمائید.
آدرس: میدان آرژانتین- بلوار بیهقی- خیابان دهم غربی- پلاک ۱۰- واحد ۲ و یا ارسال از طریق نمابر: ۸۸۷۳۱۴۳۱

« فقط تهران بزرگ »

دوره اشتراک	۶ ماهه	یکساله
هزینه اشتراک (ریال)	۷۵۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰

با توجه به اینکه توزیع روزنامه جهان صنعت توسط موسسه اطلاعات انجام می شود از مشترکان شهرستانی تقاضا می‌شود جهت دریافت اشتراک به دفاتر نمایندگی روزنامه اطلاعات در سراسر کشور مراجعه نمایند.

شرایط اشتراک:
- ساعات تحویل روزنامه از ۶ الی ۱۱ صبح
- شروع اشتراک (متقاضیانی که درخواست خود را به طور کامل تحویل نمایند) اول و شانزدهم هر ماه می باشد.
- مبلغ مندرج در جدول فوق بابت روزانه یک نسخه اشتراک می باشد.
- لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگهداری فرمائید.
- در صورت عدم تحویل روزنامه حداکثر تا ساعت ۱۴ همان روز مراتب را با تلفن ۸۸۷۳۱۹۸۱ اعلام فرمائید.

نام و نام خانوادگی: ..... شرکت / موسسه: ..... کدپستی: ..... تلفن: .....
فاکس: ..... تعداد درخواستی: ..... مدت اشتراک: ۶ ماهه ■ یک ساله ■
آدرس: .....
شماره فیش بانکی: ..... بانک: ..... تاریخ واریز فیش: .....